

عبدی کوفی

نویسنده: دکتر محمد شیخ‌الرئیس کرمانی

نسب عبدی کوفی 1.

ابومحمد سفیان بن مصعب عبدی کوفی» از شعرای مشهور شیعه است. کنیه او ابومحمد یا ابو عبدالله و نام او، سفیان یا «سیف ضبط شده و در هر حال به عبدی کوفی معروف است. کلمه عبدی از باب نسبت به عبدالقیس به ربیع‌بن نزار است (1)

در نسب او کمتر بحث شده است و به طور کلی ترجمه او را بسیاری از نویسندگان تاریخ و تاریخ ادب، مانند: ابوالفرج اصفهانی، حنا الفاخوری، عمر فروخ، جرجی زیدان و... نیاورده‌اند و این عدم توجه به شاعری متعهد و مؤمن، همچون عبدی، از چه مایه می‌گیرد؟ به نظر می‌رسد غرضورزی شده باشد والله أعلم متأسفانه برخی از نویسندگان ایرانی نیز، به این شاعر مخلص اهل بیت (علیهم السلام) عنایت نفرموده‌اند؛ مانند: کتاب ادبیات انقلاب در شیعه که نام و ترجمه این شاعر شیعی را نیاورده است

ولادت و وفات و زندگی او 2.

صاحب اعیان الشیعه بدون اینکه سخنی از تاریخ تولد او بیاورد، وفاتش را سال ۱۲۰ هـ.ق در کوفه ضبط کرده است. ولی صاحب الغدیر بکلی این نظر را ردّ می‌کند و می‌گوید تاریخ تولد و وفات عبدی را دقیقاً به دست نیاوردیم، جز اینکه می‌دانیم به خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیده و از آن حضرت روایت می‌کرده و با سید حمیری (متولد ۱۰۵ و متوفی ۱۷۸ هـ.ق) دیدار کرده است. با «ابوداود مسترق» نیز مراد داشته و این مرد از عبدی روایت می‌کرده و چون با تحقیقی که ارائه کرده است، ولادت «ابوداود» را سال ۱۶۰ یا ۱۶۱ هـ.ق می‌داند بنابراین برای اینکه بتواند از عبدی روایت کند باید از لحاظ سن وضعیت مناسبی داشته باشد. بر این اساس عمر عبدی باید تا اواخر حیات حمیری (سال ۱۷۸ هـ.ق) ادامه داشته باشد و تاریخ مضبوط از طرف صاحب اعیان الشیعه (2) به هیچ وجه موجه نیست

به طوری که از رجال طوسی (شیخ الطائفه) و نیز اعیان الشیعه و الغدیر و برخی منابع دیگر بر می‌آید. او از اصحاب امام صادق (علیه السلام) بوده و با آن حضرت، آمد و رفت مخلصانه داشته است

تشیع او 3.

عبدی از شعرای پاک و مخلص اهل بیت است. ابو عمرو کثی در کتاب رجالش به سند خود از سماعه نقل می‌کند که امام (3) «صادق (علیه السلام) فرمود: «عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ شِعْرَ الْعَبْدِي فَإِنَّهُ عَلَى دِينِ اللَّهِ (4) این حدیث به صورت «یا معشر الشیعه عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ شِعْرَ الْعَبْدِي» نیز آمده است ثقة الاسلام ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، در کافی به اسناد خود از سفیان بن مصعب عبدی (یعنی خود شاعر) نقل می‌کند که گفت، خدمت حضرت ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام) رفتم. حضرت فرمود به «أُمّ قُرْوه» بگویند بیاید و گوش کند که با جدّش چه کردند. آنگاه او پشت پرده نشست حضرت به من فرمود که انشاد کن و شروع کردم به خواندن قصیده‌ای که مصرع اولش این است که «قُرْوه جودی بد معک المسکوب»، پس فریاد و ناله «أُمّ قُرْوه» همراه با سایر زنان بلند شد تا آخر حدیث (5)

این گونه برخورد امام صادق (علیه السلام) می‌رساند که حضرت با او مراد و دوستی نزدیک داشته است، به طوری که برای استماع ذکر مصیبت او، اهل منزل را هم امر به احضار می‌فرماید علامه امینی او را از شعرای اهل بیت که ولای آنان را با خلوص و قصد قربت در دل داشته، می‌شمارد و او را از اشخاصی می‌داند که به خاطر دلبستگی و اخلاصی که به ائمه (علیهم السلام) نشان داده، مورد قبول آن بزرگواران واقع شده است (چنانچه امام صادق (علیه السلام) به او توجه خاصی داشته که قبلاً اشاره شد)

شعر او، بسیاری از مناقب امیرالمؤمنین را در خود جمع کرده و مدح او و ذریه طیبیه‌اش را فراوان نموده است و بر مصیبت‌های ایشان مرثیه‌های زیادی سروده و نالیده است و درباره غیر اهل بیت شعری از او ندیده‌ایم. (۶) بیشتر اشعار او همانهاست که در مناقب این شهر آشوب آمده و غور در مضامین اشعارش روشن می‌کند که شیعه‌ای بی‌پیرایه و علاقه‌مندی پرسوز و گداز به اهل بیت (علیهم‌السلام) بوده است

بررسی شعر عبدی. 4.

شعر عبدی منسجم، جزیل، شیرین و متین است و برای منزلت آن همین بس، که سید حمیری در شعر، او را برتر از خود خوانده است. او را برتر از خود خوانده است. ابوالفرج به سند خود نقل می‌کند که سید حمیری با عبدی نشست و بودند، سید حمیری گفت:

أَتَى أَدِينُ بِمَا دَانَ الْوَصِيُّ بِهِ *** يَوْمَ الْخُرَيْبَةِ مِنْ قَتْلِ الْمُجَانِ
وَ بِالَّذِي دَانَ يَوْمَ النَّهْرَوَانِ بِهِ *** وَ شَارَكَتْ كَفَّهُ كَفِّي بِصِقِينَا

عبدی گفت: اشتباه کردی اگر کف تو با کف او مشارکت داشته باشد تو نیز مثل او خواهی بود. بگو «تَا بَعْتَ كَفَّهُ كَفِّي» که تو تابع باشی، نه شریک. سید بعد از آن همیشه می‌گفت: «أَنَا أَشَعَرُ النَّاسِ وَلَا الْعَبْدِي» (۷)، یعنی من شاعرترین همه مردم هستم، ولی از عبدی شاعرتر نیستم

نمونه‌هایی از اشعار عبدی. 5.

در مدح اهل بیت (علیهم‌السلام)-1

يا سادتي يا بني علي *** يا آل طه و آل صا
من ذابوا زيكم و انتم *** خلايف الله في البلاد
انتم نجوم الهدى اللواتي *** يهدي بها الله كل هاد
لولا هداكم اذا ضللنا *** و التبس الغي بالرشاد
لا زلت في حيكم اوالى *** عمرى و فى بغضكم اعداى
و ما تزودت غير حبي *** اياكم و هو خير زاد
و ذاك دخري الذى عليه *** فى عرصه الحشر اعتمادى
(8) ولاؤكم والبراء ممن *** يشناكم اعتقادى

از معروفترین سرودهای عبدی، قصیده «بائیه» اوست که صاحب الغدير ۸۶ بیت و صاحب ادب الطف ۹۸ بیت از آن -2- را به عنوان «غیریه» آورده است که در آغاز، حسب رسم شعرای گذشته، ابیاتی در تأسف بر «ربع و اطلال» و اشک و آهی بر فراق محبوب دارد و سپس به مدح علی (علیه‌السلام) می‌پردازد

بَلِّغْ سَلَامِي قَبْرًا بِالْعَرَى حَوَى *** أَوْفَى الْبَرِيَةِ مِنْ عُجَمٍ وَ مِنْ عَرَبٍ
وَ اجْعَلْ شِعَارَكَ لِلَّهِ الْخَشُوعَ بِهِ *** وَ نَادِ خَيْرَ وَصِي صِنُوْ خَيْرِ نَبِي
اسْمَعْ اِذَا حَسِنَ اَنْ اِلَوَلَى عَدَلُوا *** عَنْ حَكَمِكَ اِنْقَلَبُوا عَنْ شَرِّ مُنْقَلَبٍ

و بالاخره به داستان غدیر می‌پردازد

وَ كَانَ عَنْهَا لَهُمْ فِي «خَمٍّ» مُزْدَجَرٌ *** لَمَّا رَقَى أَحْمَدُ الْهَادِي عَلَى قَتَبٍ
وَ قَالَ وَالنَّاسُ مِنْ دَانِ إِلَيْهِ وَ مِنْ *** ثَاوٍ لِذِيهِ وَ مِنْ مُصْغٍ وَ مُرْتَقِبٍ
فَمَ يَا عَلِي فَإِنِّي قَدْ أَمَرْتُ بِأَنْ *** أَبْلَغَ النَّاسَ وَ التَّبْلِيغُ أَجْدَرُ بِي
إِنِّي نَصَبْتُ عَلَيْكَ هَادِيًا عَلَمًا *** بَعْدِي وَ إِنَّ عَلِيًّا خَيْرُ مُنْتَصَبٍ
فَبَا يَعْوَكُ وَ كُلُّ بَاسِطٍ يَدَهُ *** إِلَيْكَ مِنْ فَوْقِي قَلْبٌ عَنْكَ مِنْقَلَبٌ
وَ كُنْتُ قُطْبَ رَحَى الْإِسْلَامِ دَوْنَهُمْ *** وَ لَا تَدْوُرُ رَحَى إِلَّا عَلَى قُطْبٍ

سپس به جمله‌ای از مناقب مولا، مانند فتح خیبر به دست او و فرار دیگران، «رَدَّ الشَّمْسُ»، «ليلة المبيت» و تزویج بضعه الرسول فاطمة زهرا (علیها السلام) اشاره کرده اضافه می‌کند که فرزندان پیامبر، همان فرزندان علی از حضرت زهرا (علیها السلام) هستند و سپس می‌گوید:

لُقِّبْتُ بِالرَّفِضِ لَمَّا أَنْ مَنَحْتُهُمْ *** وَدَى وَ أَحْسَنُ مَا أَدْعَى بِهِ لَقَبِي
 صلاةُ ذی‌العرش تنری کُلَّ أَوْنَةٍ *** علی ابنِ فاطمةَ (۹) الکشافی لِلْکُرْبِ
 و ابنیه من هالکٍ بالسُّمِّ مُخْتَرِمٍ *** و من مُعَفَّرِ خَدِّ فی الثَّرَى تَرْبِ
 و العابدِ الزَّاهِدِ السَّجَّادِ یَتَّبِعُهُ *** و باقِرِ العِلْمِ دانِ غایةَ الطَّلَبِ
 و جعفرِ وأبنیه موسی و یَتَّبِعُهُ ال *** بَرُّ الرضا و الجوادِ العابدِ الدَّیْبِ
 و العسکریین و المهدی قائمُهُم *** ذوالامر لایس أثوابِ الهدی القُشْبِ
 (10) مَنْ یَمِلَا الارضَ عَدَلًا بَعْدَ مَأمَلَاتٍ *** جَوْرًا و یَقْمَعِ اهل الزیغ و الشُّعْبِ

پی‌نوشت‌ها:

1. امین، سیدمحسن، اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۲۶۷ و صدر، آیت‌الله سیدحسن، تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۱۹۲.
2. علامه امینی، شیخ عبدالحسین، ج ۲، ص ۲۹۷.
3. آیت‌الله صدر، سید حسن، تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۱۹۲.
4. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۲۶۷.
5. همان منبع و آیت‌الله صدر، سید حسن، تأسیس الشیعه، لعلوم الاسلام، ص ۱۹۲.
6. علامه امینی، عبدالحسین، الغدیر، ج ۲ ص ۲۹۴ و جواد شبر، ادب الطف، ج ۱، ص ۱۷۰.
7. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۷، ص ۲۹۰.
8. ابی‌جعفر، رشیدالدین محمدبن علی بن شهر آشوب السروی المازندرانی، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۸۵.
9. به نظر می‌رسد منظور از فاطمه در اینجا، فاطمه بنت اسد، مادر حضرت علی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) باشد.
10. بخصوص که ضمیر در «ابنیه» هم مذكر آمده است.

علامه شیخ امینی، عبدالحسین، الغدیر، ج ۲، ص ۲۹۰ الی ۲۹۴ و جواد شبر، ادب‌الطف، ج ۱، ص ۱۸۰- ۱۷۱.

: منبع مقاله

شیخ‌الرئیس کرمانی، محمد؛ (۱۳۸۸)، شعر شیعی و شعرای شیعه در عصر اول عباسی، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول

منبع: <https://rasekhoon.net/article/show/1122390/%D9%86%DA%AF%D8%A7%D9%87%DB%8C-%D8%A8%D9%87-%D8%B4%D8%B9%D8%B1-%D8%B9%D8%A8%D8%AF%DB%8C-%DA%A9%D9%88%D9%81%DB%8C>